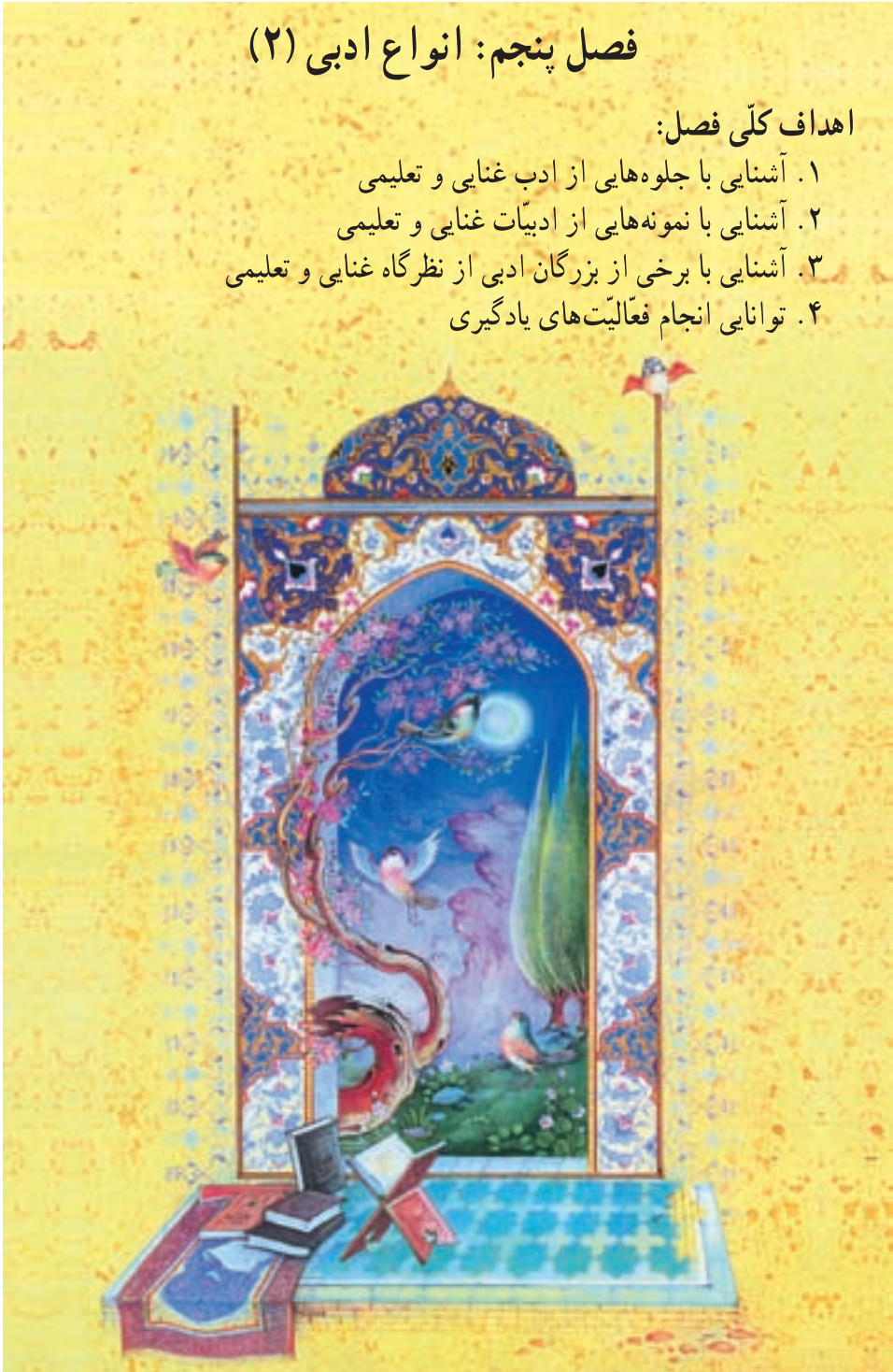


فصل پنجم: انواع ادبی (۲)

اهداف کلی فصل:

۱. آشنایی با جلوه‌هایی از ادب غنایی و تعلیمی
۲. آشنایی با نمونه‌هایی از ادبیات غنایی و تعلیمی
۳. آشنایی با برخی از بزرگان ادبی از نظرگاه غنایی و تعلیمی
۴. توانایی انجام فعالیت‌های یادگیری



ادبیات غنایی

ادبیات غنایی گونه‌ای از ادبیات است که بازبانی نرم و لطیف، با استفاده از معانی عمیق و باریکت، بر بیان احساسات شخصی انسان می‌پردازد و بیاثر و عواطف و آرزوهای انسان و غم‌ناو شادی‌های اوست. کلمه‌ی «غنا» در اصطلاح به معنی موسیقی است و شعر غنایی در اصل همراه با موسیقی خوانده می‌شده است اما در حقیقت، دامن‌های آن بسیار گسترده‌تر است و همه‌ی احساسات کوناگون انسانی از قبیل احساسات عاشقانه، مذیسی، عرفانی، مرح، هجو، وصف طبیعت و جامعه و مسائل شخصی مانند غم غربت، شکایت از زندان، مرثیه‌ی عزیزان و نظایر آن را در بر می‌گیرد. بنابراین، بخش عمده‌ی ادبیات ما را شعر غنایی تشکیل می‌دهد. رباعیات خیام، دویتی‌های باباطاهر، غزلیات مولوی، سعدی، حافظ، صائب و بیدل، منظومه‌های بزمی نظامی، بخشی از سروده‌های قصیده‌سرایان مشهور مانند فرخی، منوچهری، عنصری، خاقانی و نیز عمده‌ی سروده‌های معاصر از نوع ادبیات غنایی است.

نظامی گنجای شاعر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری معروف ترین سراینده‌ی داستان های بزی
 و ادب پارسی است. غمناک و کنج او: مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، بخت پیکر و
 اسکندرنامه، از قرن پنجم تا به امروز بارها مورد تقلید شاعران ایرانی، هندی و ترک قرار گرفته است.
 شعر بزرگزیده‌های ازثنوی عاشقانه‌ی لیلی و مجنون است. آن جا که مجنون از غم عشق لیلی سبزه کوه و
 بیابان سناده است و پدر مجنون دغم فرزنده پریشان حال دجست و جوی او برمی آید و می خواهد او را از غم
 دروید و کئی و آوارگی براند.

مرد دل سوزی پدر و نصیاح و چاره جویی های او کوه اضطراب و عطفوت پرانمی اوست اما
 آتش عشق مجنون، سرکش تر از آن است که پند بر نیک خواهی حتی پدر، آن را فرزندانشند. پدر درمی ماند و
 خویشان بیاری اشس برمی غیزند و از اومی خواهند که مجنون را به زیارت کعبه برد، شاید عنایت الهی
 کرده کهای در او شود اما در جوار کعبه نیز مجنون طول عمر لیلی را که تنها آرزوی اوست - از خدای خواهد و دیگر هیچ!

از کعبه کشاده کردد این در

چون رایست* عشق آن جهان کیر	شد چون مه لیلی آسمان کیر
برداشته دل ز کار او بخت	درماند پدر به کار او سخت
خویشان همه در نیاز با او	بریک شده چاره ساز با او
بیچارگی و را چو دیدند	در چاره گیری زبان کشیدند
گفتند به اتفاق یک سر	کز کعبه کشاده کردد این در

حاجت که جلدی جهان اوست
چون موسم حج رسید، برخاست
فرزند عزیز را به صد جلد
آمد سوی کعبه، سیند پر جوش
گفت ای پسر این نه جای بازی است
کو، یارب از این کزاف کاری*
دریاب که بتلای عشقم
مجنون چو حدیث عشق بشنید
از جای چو مار حلقه بر جفت
میگفت، گرفته حلقه در بر
کویند ز عشق کن جدایی
پرورده‌ی عشق شد سرشتم
یارب به خدایی خدامیت

محراب زمین و آسمان اوست
اشتر طلبید و محل* آراست
بنشانند چو ماه در یکی مه*
چون کعبه نهاد حلقه در کوشش
بشآب که جای چاره سازی است
توفیق دهم به رستگاری
آزاد کن از بلای عشقم
اول بگریست پس بنخزید
در حلقه‌ی زلف کعبه زد دست
کامروز منم چو حلقه بر در
این نیست طریق آشنایی
جز عشق مباد سرنو شتم
وان که به کمال پادشامیت

کز عشق به نایابی* رسانم کاو ماند اگر چه من نامم
 کر چه ز شراب عشق مسم عاشق تر از این کنم که بستم
 از عمر من آن چه بست بر جای بستان و به عمر لیلی افزای
 می داشت پدر به سوی او کوش کاین قصه شنید، گشت خاموش
 دانست که دل، ایسر دارد دردی نه دوپذیر دارد

الیلی و مجنون نظامی،

توضیحات:

۱. وقتی آوازه‌ی عشق مجنون چون زیبایی لیلی در جهان پیچید. رایت: علم آسمان گیر شدن علم: برافراشته شدن علم. مه: مخفف ماه، منظور چهره‌ی لیلی است.
۲. برای چاره‌جویی به گفت‌وگو پرداختند. زبان کشیدند: سخن گفتند.
۳. در روزگاران قدیم، غلامان حلقه‌ای را که نشان مالکیت صاحبشان بود، در گوش داشته‌اند. در این‌جا، پدر مجنون چون غلامی به خانه‌ی خدا متوسل شده است. در ضمن به حلقه‌ی در کعبه نیز اشاره دارد.

خودآزمایی:

۱. مجنون در جوار کعبه از خدا چه خواست؟
۲. کدام بیت، از خود گذشتگی مجنون را نشان می‌دهد؟
۳. کدام ویژگی شعر غنایی در این درس دیده می‌شود؟
۴. دو نمونه تشبیه در درس بیابید و اجزای آن را معلوم کنید.